

جهد کن دوست پیدا کنی دشمن دم دست است

آذربایجانی



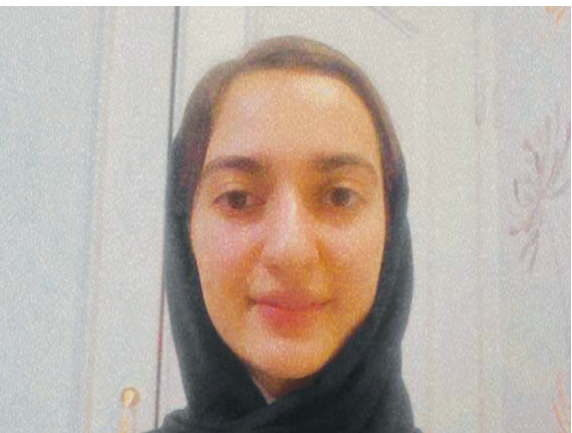
گپ و گفتی صمیمی با ترانه نامداری قرقانی نوجوان هنرمند ایل بزرگ قشقایی

دریچه: یکی از دغدغه‌های عمر ادب‌ار من، نشناختن و پرورش نیافتن استعدادها و هنرها و نبوغ‌های نهفته در جوانان و به ویژه نوجوانان میهن است. شاید اگر مدرس دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها نبودم، هرگز به عمق این فاجعه پی نمی‌بردم. در این چهل سالگی که معلم بوده‌ام، با بضاعت اندکم، تلاش در کشف و پرورش این استعدادهای کرده‌ام. دانش‌آموزانی که ذوق شاعری و نویسندگی داشته‌اند را به اردوها برده‌ام. در مراسم صبحگاه تشویقشان کرده‌ام. از بودجه مدرسه برایشان هدایایی در خور تهیه کرده‌ام. پول از کشور مدیر کش رفته‌ام و گاه تلکه و اخاذی کرده‌ام تا نوایع و هنرمندان جوان و نوجوان را بنوازم. آثارشان را برای چاپ به روزنامه‌ها فرستاده‌ام. آثاری که به قلم این تن پاره‌هایم در صفحات جراید چاپ شده، اگر برای تدوین و چاپشان، آستین همت بالا بزنم، چاپ آن‌ها شامل چند مجلد کتاب قطور و فاخر خواهد شد. یکی از روزنامه‌هایی که در این زمینه هرگز روی مرا به زمین نینداخته، روزنامه گزین و وزین طلوع است. خوشبختانه مدیر شایسته این روزنامه استاد و دبیر بازنشسته‌ای است که همدل و همدرد من است و از نزدیک این استعدادهای سرگردان و بدون راهنما و بی‌شیان را دیده است. بر آنم که به همت و همراهی ایشان (استاد جعفری زاده)، چراغ به دست گیرم و به سراغ صاحبان این قلم‌های خاک خورده و در محاق نسیان فرورفته، روم. یکی از این نوجوانان پرمایه و بی‌ادعا ترانه نامداری قرقانی است که هم شاعر است و هم نویسنده. هم نقاش است و هم عکاس.



بدون این لطفیه‌های غیبی به چه درد می‌خورد؟ تا به حال کدام قصه‌ها و رمان‌ها را خوانده‌ای و یا بیشتر دوست داری؟ داستان‌های جذاب زیادی هستند که من را به خود جذب کرده‌اند اما؛ به گمان من، زیباترینشان رمان «زنان کوچک» (به دلیل توصیف قشنگی که از زنان و استدلال‌های زنانه کرده) و «شازده کوچولو» (به دلیل قلم زیبای نویسنده) هستند. به غیر ادبیات به چه کارهای هنری علاقه‌مند هستی؟ نقاشی رشته اصلی فعالیت من در هنر است. در کار «کیچه (عروسک بافتن)» و ساخت مجسمه مینیاتوری هم فعالیت می‌کنم. آیا عضو کتابخانه مدرسه هستی و آیا کتاب‌های غیر درسی را هم تا کنون خوانده‌ای؟ بله عضو کتابخانه مدرسه یاس هستم. آنآکارنیا، بلندی‌های بادگیر و...، دیوان شاعران مختلف از جمله برجسته‌ترین شاعران مانند: فردوسی، حافظ، سعدی، هوشنگ ابتهاج، سهراب سپهری و ... به نظر شما یک نویسنده داستان‌پرداز در جامعه کنونی چه مسئولیت‌هایی دارد؟ نویسنده باید بتواند با جرئت و جسارت مشکلات جامعه را به رخ مسئولان بکشد. تا می‌تواند مردم را آگاه کند. خود نویسنده باید از خودخواهی دوری کند. در نوشته‌هایش مردم را شاد و خندان و امیدوار و سرزنده و پرسشگر نگه دارد. برای خوانندگان روزنامه طلوع، چه نوبرانه‌هایی در این شماره داری؟ یک داستان کوتاه و یک شعر و تصاویر بعضی از نقاشی‌ها و عروسک‌هایم.

نا امید شده بودم، از این که این مه پاره به قصد فروش گل، به سمت من بیاید. یک لحظه نگاهم را از چهره تابان برف پوشیده‌اش، دزدیم و به زمین خیره شدم و با لحنی آرام به خود گفتم: چرا گل‌های محبتش را به من تعارف نمی‌کند؟ نکند من لایق چنین تعارفی نیستم و غرور نوجوانی نمی‌گذارد تا خودم را درست بشناسم؟! شاید او مرا نیز مثل خودش فقیر و بی پول فرض کرده. سرم را بالا بردم و با چشمان نگرانم به دنبال کودک گشتم. کودک را قدم زنان به سمت همان کوچهای دیدم که در آن درنگی کوتاه کرده بودم. حال مکث کوتاه من، تبدیل به لحظه‌ای طولانی شده بود که تا امتداد کوچه ادامه داشت. در نزدیک‌ترین فاصله‌ای که می‌توانست ایستاد. حریر انگشتانش را به سمت خارهای گل‌دسته برد و از میان شاخه‌های بلند و کوتاه، گلی را برداشت و در امتداد انگشتانش به من تعارف کرد و در همان حالت با ادبیاتی کودکانه و با صدایی لرزان و معصومانه گفت: گل میخوای؟



قطرات سرد باران، تنها نوازش گرمی بودند بر تن منجمد نحیفش. همه می‌گویند که سرو ثمر ندارد اما؛ این سروی که من می‌دیدم، بی ثمر نبود زیرا؛ گل‌های سرخ محبت را در آغوش داشت. این گل‌ها به رنگ لبهای خیس و لرزانش بود. کمی تا اندکی هم به رنگ لباس‌هایش. با این تفاوت که لباس‌های آن سرو خرامان از شدت کهنگی از رنگ و رو رفته بودند. تا چشمم به این دخترک گل‌فروش افتاد، به یاد سعدی افتادم که در غزلیاتش خطاب به معشوقش گفته: سرو را مانی و لیکن سرو را رفتار نیست ماه را مانی و لیکن ماه را گفتار نه در چهره معصوم این دخترک بی‌تا همه زیبایی‌ها به هارمونی رسیده و می‌درخشیدند. باور دارم که نقاشی ازل برای نقاشی چهره‌اش خیلی وقت صرف کرده و عرق‌ها ریخته تا او را این گونه رنگ آمیزی کرده. این دختر دلیند، مثل گل‌های قرمز می‌درخشید. از برف‌هایی که در لا به لای موهای بور شانه ندیده‌اش می‌نشستند؛ رشک می‌برد و حسادت می‌ورزیدم. با خود می‌گفتم: هست و نیست، آن دانه‌های برف به عشق این دختر، آسمان پاک را رها کرده و به سمت زمین می‌کوچند. دخترک هر لحظه شاخه‌ای گل برمی‌داشت و به تک تک آدمها اشاره می‌کرد و با یخچندان لب‌های لرزان و صدای کودکانه‌اش می‌گفت: گل می‌خوای؟ آقا گل بدم؟ خانم ارزونه ها، خیلی به میز ناهارخوری تون میاد. صدا و حتی لحن کودک را با این حال که از من دور بود می‌شنیدم

زندگی زندگی را مانند دریا در گوشم زمزمه کردند. / به من گفتند: موج تلاطم این زندگیست. / گاه بر صخره می‌زند و گاه به سخره می‌گیرد. / گفتند: عمق دارد، جان دارد، نفس در آن جریان دارد! / لیکن گاهی هم می‌خروشد و ویران می‌کند. ویرانی را به ساحل می‌برد و آرامش را از ساحل می‌ریاید. / برایم از موج بی جان و ژرفای نفس‌هایش،



سخن گفتند؛ از غروب دل مرده‌اش! از مهتاب بی تابشش ... / اما! دل من باور را برنمی‌تابید. شاید نفس مردگان است که در این امواج جریان پیدا کرده. مردگانی زنده‌تر ازما و پنهان از دیدگان ما / یک لحظه مکث در دشت بیکران دریا، هزاران آرامش را در من فرو می‌برد. / یک فرود کافیسیت تا بدانی که بال تنها برای پرواز در آسمان نیست. / ماهی، در عمق بحر پرواز می‌کند! / مرجان، رقص کتان در پی طوطی دریا می‌رود! / دریا، خورشیدش را به ماهی مغرب مدیون است! / مهتاب، در این دریا حاکم جاده عشق است! / سرآغاز تا سرانجام این جاده حیات است. / مگر زندگی جز این است!؟



و احساس می‌کردم ولی نمی‌توانستم شوق را در چشمان آدم‌هایی که گل می‌خریدند ببینم!

علمی

ابداع هواپیمای بدون سرنشین Bug nano برای ارزیابی میدانی

مقیاس، پهپادهای همیشه بزرگتر قرار دارند که برای شناسایی، جنگ و حتی پرتاب ماهواره‌های کوچک طراحی شده‌اند. در انتهای دیگر نیز صنایع کوچک مانند Bug وجود دارد که برای کارهایی مانند عملکرد به عنوان یک واحد مقیاس جیبی طراحی شده است که یک سرباز پیاده می‌تواند در یک لحظه مستقر شود. کوچک ساختن یک پهپاد چندان سخت نیست. قفسه‌های سرگرمی و اسباب بازی پر از این موارد است. آنچه دشوار است هوشمند سازی پهپاد برای انجام مأموریت خود، با استقامت کافی برای رسیدن به هدف و بازگشت و آقدر سخت است که می‌تواند در برابر شرایط نامووار میدان و آب و هوای بد مقاومت کند. وزن Bug تقریباً به اندازه یک تلفن هوشمند است، برد آن ۱،۲۵ مایل (۲ کیلومتر) و باتری آن چهل دقیقه است. این می‌تواند با سرعت ۸۰ کیلومتر در ساعت (۲۲ متر در ثانیه) حرکت کند، دید را به دستگاه‌های مختلف بازگرداند و بادهای ۳۵ گره را کنترل کند و به ۴۵ گره برسد که طبق گفته BAE، این تنها پهپاد نانو است که در رویداد اخیر آزمایش جنگ ارتش گام بعدی پهپود اشکال با افزودن سنسورها و ادغام آن با سایر تجهیزات نظامی است. جیمز جرارد، تکنسین اصلی در تجارت هوش کاربردی سیستم‌های BAE گفت: حتی در سخت‌ترین شرایط آب و هوایی، اشکال می‌تواند اطلاعات تاکتیکی حیاتی را در گوشه و کنار تپه بعدی ارائه دهد و به طور مستقل برای به روزرسانی تصویری نیروها کار کند. سایر محصولات مزیت اطلاعاتی ما، این خوراک و پدئویی می‌تواند در چند دامنه به اشتراک گذاشته شود، به فرماندهان در زمین، دریا و هوا امکان می‌دهد آگاهی موقعیتی خود را افزایش دهند و تصمیمات خود را مطلع کنند.



شرکت هواپیمای بدون سرنشین UAVTEK برای تحویل ۳۰ نمونه اولیه از هواپیمای بدون سرنشین Bug nano برای ارزیابی میدانی با BAE Systems همکاری کرده است. وزن Bug ۶،۹۱۱ اونس (۱۹۶ گرم) برای کار با بادی تا ۵۰ مایل در ساعت (۸۰ کیلومتر در ساعت) طراحی شده است. یکی از نکات قابل توجه در مورد بازار هواپیمای بدون سرنشین در حال رشد، تنوع گسترده عملکردها، اشکال و اندازه‌های آن است. در یک انتهای

ساخت سلول‌های خورشیدی صاف و شفاف با ترکیب دو ماده نیمه هادی

کارآمدتر و سازگار با محیط زیست شده‌اند ولی با این حال سلول‌های خورشیدی کنونی، مات هستند که مانع استفاده گسترده و ادغام آنها در مواد روزمره می‌شود اما اگر پنل‌های خورشیدی نسل بعدی بتوانند در پنجره‌ها، ساختمان‌ها یا حتی صفحه‌های تلفن همراه ادغام شوند چه اتفاقی می‌افتد؟ ساخت یک سلول خورشیدی کاملاً صاف و شفاف، امید و هدف پروفیسور کیم از گروه مهندسی برق در دانشگاه ملی اینچئون کره است. پروفیسور کیم می‌گوید: ویژگی‌های منحصربه‌فرد سلول‌های فتوولتائیک شفاف می‌تواند کاربردهای مختلفی در فناوری انسانی داشته باشد؛ ایده سلول‌های خورشیدی شفاف کاملاً شناخته شده است اما این کاربرد جدید که دانشمندان به آن رسیده‌اند، یافته بسیار مهمی است؛ در حال حاضر مواد مات‌کننده سلول خورشیدی، لایه‌های نیمه‌رسانا هستند که مسئول ضبط نور و تبدیل آن به جریان الکتریکی هستند از همین‌رو پروفیسور کیم و همکارانش به بررسی دو ماده نیمه‌هادی بالقوه پرداختند که توسط محققان قبلی برای خواص مطلوب آنها شناسایی شده بود. اولین مورد دی‌اکسیدتیتانیوم (TiO2) است که یک نیمه‌هادی شناخته‌شده‌ای است که قبلاً به طور گسترده‌ای برای ساخت سلول‌های خورشیدی مورد استفاده قرار گرفته است؛ علاوه بر خصوصیات الکتریکی عالی، (TiO2) همچنین یک ماده سازگار با محیط زیست و غیر سمی است؛ این ماده در حالی که بیشتر طیف نور مرئی را عبور می‌دهد، نور ماورا uv بنفش را جذب می‌کند(بخشی از طیف نوری که با چشم غیرمسلح قابل مشاهده نیست). دومین ماده‌ای که برای ایجاد این محل اتصال مورد بررسی قرار گرفت، اکسید نیکل (NiO)، نیمه‌هادی دیگری است که از شفافیت نوری بالایی برخوردار است از آنجا که نیکل یکی از عناصر مغذیظ روی زمین است، اکسید آن به راحتی در دماهای پایین صنعتی قابل تولید است؛ NIO نیز ماده بسیار خوبی برای ساخت سلول‌های سازگار با محیط زیست است.



دانشمندان با ترکیب خواص بی‌نظیر نیمه‌هادی دی‌اکسیدتیتانیوم و اکسید نیکل، توانستند یک سلول خورشیدی کارآمد و شفاف تولید کنند. به گزارش خبرنگار علمی خبرگزاری ایستا؛ یک تیم بین‌المللی از محققان به رهبری پروفیسور کیم از کره جنوبی، موفق به تولید سلول‌های خورشیدی شفاف شده‌اند؛ با ترکیب خواص بی‌نظیر نیمه هادی دی‌اکسیدتیتانیوم و اکسید نیکل، محققان توانستند یک سلول خورشیدی کارآمد و شفاف تولید کنند. پنج سال پس از توافقنامه آب و هوایی پاریس، همه نگاه‌ها به پیشرفت جهان در مسیر رسیدن به آینده بدون کربن است؛ بخش مهمی از این هدف شامل انتقال انرژی از سوخت‌های فسیلی به منابع تجدیدپذیر، مانند خورشید، آب، باد و انرژی موج است؛ در این میان، انرژی خورشیدی به عنوان معتبرترین و فراوان‌ترین منبع انرژی در زمین، همیشه بیشترین امید را در جامعه علمی داشته است. در دهه‌های اخیر سلول‌های خورشیدی، ارزان‌تر،